



کودکان و شعر

بخش اول

- Lee Calda Bernic
- مینا مانی قلم
- Literature and the child
- E. cullinan 2002 wadsworth Group

پیش گفتار

یکی از دشواری‌های همیشگی در ترجمه شعرهای کودکان، برگردان شعر با رعایت وزن و قافیه است؛ به ویژه در شعرهایی که وزن و قافیه، عنصر اصلی بازی‌های زبانی در شعر کودکان، از جمله کودکان پیش دبستانی و سال‌های نخست دبستان به شمار می‌رود. در منظومه‌ها، متن‌ها و ترانه‌ها، همواره ویژگی وزن‌های بیرونی و درونی به گونه‌ای است که کنار گذاردن آن‌ها، ماهیت شعر را دگرگون می‌کند و آن را از اصلی‌ترین ویژگی خود دور می‌سازد. در نظر بگیریم که بخواییم ترانه «مئل جُمک برگ خزون / مادرم زینب خاتون» را به زبانی دیگر برگردانیم. از سوی دیگر، آشنایی با پیشینه شعری در زبان‌های دیگر، گاه این ضرورت را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

با وجود تردیدهایی که در ترجمه متن این مقاله داشتیم، به نظرم رسید که آشنایی شاعران کودک در ایران با موضوعات پژوهشی در این زمینه، می‌تواند بسیار مناسب و مفید باشد. به ویژه آن که کمتر آثاری از این دست ترجمه شده است. از این رو و با وجود فدا شدن ماهیت بسیاری از شعرهای موجود در این مقاله، به ترجمه آن دست زدم و گاه از مشورت و همکاری دوست منتقد و صاحب ذوق کتاب ماه کودک و نوجوان، آقای جمال‌الدین اکرمی بهره جستیم و گاه برخی از ترانه - مثل‌های ایرانی را جایگزین اصل شعرها کردم به آن امید که مضمون‌ها و ویژگی‌های شعری در برگردان آن‌ها رعایت شده باشند. در مواردی اندک نیز ناگزیر شدم پاره‌هایی از متنی برگردان شده را به دلیل نارسایی آن در ترجمه، کنار بگذارم.

مترجم

شعر، نگرش شاعر از حقیقت است

شعر، مفاهیم غنی را به کمک آوای زبان که به گونه‌ای منظم در کنار هم چیده شده، گرد می‌آورد. شاعران واژه‌ها را انتخاب می‌کنند و آن‌ها را به روشی سنجیده و دقیق، در کنار یکدیگر قرار می‌دهند. آن‌ها با شعرهای‌شان، توجه ما را به سوی تجربه‌های نو جلب می‌کنند.

بسیار آسان‌تر است بگوییم: شعر چه می‌کند؟ تا آن که بگوییم: شعر چیست؟ شعر از تعریف کامل و گویا تن می‌زند. ما می‌دانیم که شعر می‌تواند ما را به خنده بیندازد؛ خنده‌ای در دل یا خنده‌ای بلند، شعر می‌تواند با بینش و بصیرت خود، ما را تکان دهد و با سادگی حیرت‌انگیزش، ما را غافلگیر کند.

شعر در زندگی کودکان

شعر می‌تواند صلح و آرامش را برای

خوانندگان به ارمغان بیاورد. برخی از شعرها، ما را با حس‌هایی روبه‌رو می‌کنند که پیش از این، هرگز آن‌ها را تجربه نکرده‌ایم. گاهی با خواندن یک شعر، هیجان زده می‌شویم و می‌گوییم: «آه، این همان چیزی است که دنبالش می‌گشتم!»

شعر با جوهر زندگانی سر و کار دارد. گریگوری کُرسو (Gregory Corso, ۱۹۸۳)، می‌گوید: «شعر متضاد دورویی است.»

درک شعر به تجربه‌ای مداوم نیازمند است که از راه شنیدن، خواندن، نوشتن و گفت‌وگو کردن گسترش می‌یابد. کودکان با خواندن شعر، حس‌های درونی آن را فرا می‌گیرند و درک خود را از شعر گسترش می‌دهند. شناخت شعر از راه تعریف شفاهی آن صورت نمی‌گیرد. بلکه از همان نخستین تجربه‌ها، در رویارویی کودک با شعر، از راه شنیدن، خواندن، نوشتن و بحث کردن آغاز می‌شود؛ تجربه‌هایی که سهم به‌سزایی در گسترش عشق و علاقه کودک به شعر دارد. کودکانی که در خانه و مدرسه با شعر زندگی کرده‌اند، در زندگی‌شان بارها و بارها برای لذت بردن و سرگرم شدن، به شعر روی می‌آورند.

شعر بخند بر لبان ما می‌نشانند

همه ما خندیدن را دوست داریم و شعر این امکان را به خواننده می‌دهد. شعر از بازی‌های لذت بخش با واژه‌ها آغاز می‌شود و به بیان فضاها و رویدادهای شگفت‌انگیز و طرح تلاش‌های روزانه، از زاویه دیدی کاملاً تازه و شنیدنی می‌انجامد. شعر بدخواه و بی‌رحم نیست و آسیبی به خواننده نمی‌رساند.

شعرهای خنده‌دار و فکاهی، جنبه‌های طنزآمیز و مضحک زندگی را مورد توجه قرار می‌دهد و خواننده را به خندیدن وادار می‌کند. شعر «دماغ پشمالوی عجیب و غریب»، از کتاب «کسی که برنده یک خرس قطبی شد»، سروده جان سیاردی (John Ciardi)، در سال ۱۹۶۴، کودکان دبستانی را در بازی با کلمات و اغراق‌های مضحک سرگرم می‌کند و آن‌ها را به خنده می‌اندازد:

دماغ پشمالوی سُر و مَر و گنده
ولو میشه روی یه کنده
گوش هاش عینهو را کت تنیس
با صورتی پر از لک و پیس
خدا نکنه خواب بیاد سراغ او
آن وقت میشه یک تانک پر هیاهو
بوم بوم بوم، خُر خُر خُر
بام بام بام، غُر غُر غُر

شعرهای خنده‌دار، نخستین تجربه‌های شادی بخش کودکان از شعر است؛ شعرهایی

که گاه می‌تواند همه کس، از کوچک و بزرگ را بخنداند و سرگرم کند.

شعر تصویر می‌آفریند

بسیاری از شعرها تصویرهای حسی می‌آفرینند و خیال‌انگیزی را گسترش می‌دهند. شاعران با مهارت واژه‌ها را به گونه‌ای در کنار هم قرار می‌دهند که شنوندگان و خوانندگان آن می‌توانند فضاهایی را که شعر پدید آورده، در خیال خود ببینند و آن را حس کنند.

جورجیا هرد (Georgia Heard)، در کتاب «پدیده‌های زمینی، هوایی و دریایی»، عقابی در حال پرواز را چنین توصیف می‌کند:

عقاب در آسمان می‌لغزد
می‌چرخد
و بالا می‌رود
باد چه زیبا در میان بال‌های سوت می‌کشد
تو بادبادکی زیبا و نخب بریده هستی!

شعر، احساسات شاعر را بیان می‌کند

شعر، احساسات آدمی را به گونه‌ای بیان می‌کند که پیش از آن، آن را تجربه نکرده‌ایم. شعر ژرف، مبتذل و احساساتی نیست. شعر به خوانندگان خود کمک می‌کند تا خود را و احساسات خود را دریابند. هر چند همه ما شادی‌ها، غم‌ها، حسادت‌ها، خشم و تنهایی را تجربه کرده‌ایم، این شعر است که تمامی این حس‌ها را به واژه درمی‌آورد. ماری آن هوبرمن (Mary Ann Hoberman)، در شعر «پدر من»، از کتاب «پدران، مادران، خواهران و برادران»، احساس خود را چنین بیان کرده است:

پدرم با ما زندگی نمی‌کند
او به ما اعتنایی ندارد
اما من غمگینم
و دلم برای او تنگ می‌شود
پدرم با من زندگی نمی‌کند
وقتی که من سه سالم بود
او از پیش ما رفت

حالا برای خودش خانواده دیگری دارد
چه قدر دلم برای پدر تنگ می‌شود
گاهی که به دیدنم می‌آید
با هم بازی می‌کنیم و حرف می‌زنیم
و من عمیقاً خوشحال می‌شوم
اما وقتی از پیش ما می‌رود
دوباره دلم برای پدر تنگ می‌شود

شعرهایی که احساس شاعر را بیان می‌کنند، باید پژوهش‌گویی و حقیقت‌گویی شاعر باشد. حتی منظومه‌ها (شعرهای داستانی) و شعرهای خنده‌دار نیز زمانی به دل می‌نشینند که آینه راستین احساسات شاعر باشد.

شعر، احساسات خواننده را بر می‌انگیزد

آموزگاران و کتاب‌داران، بیش از دیگران نیازمند درک عمیق شعر و آگاهی از ویژگی‌های درونی شعر هستند. آن‌ها باید شعر و کار شاعر را عمیقاً درک کنند و امکانات شعر را بشناسند. حتی شکل (فرم) و نوع چینش شعر در صفحه نیز از جمله امکانات شعری به شمار می‌روند. عمیق‌ترین امکان شعر، مفهومی است که از شعر می‌گیریم. اندیشه و مفهوم تأثیری ماندگار و همیشگی در ما بر جای می‌گذارد و نوع تفکر و زبان گفتاری ما را دگرگون می‌کند.

درست است که واژه‌های گنجانده شده در شعر، واژه‌هایی آشنا و معمولی‌اند، اما با دقت انتخاب و به گونه‌ای در کنار هم چیده شده‌اند که خیال‌انگیزی و ساختن تصویر ذهنی را به اوج می‌رسانند. تجربه‌هایی که در شعر با آن‌ها آشنا می‌شویم، می‌تواند تجربه‌ای پیش پا افتاده باشد، اما شاعر آن را به گونه‌ای تازه و شگفت‌انگیز مطرح می‌کند.

نور تراپ فرای (Northup Frye-۱۹۶۳) می‌گوید:

«وظیفه شاعر آن است که بگوید چه حادثه‌ای در حال روی دادن است، نه آن که چه چیزهایی پیش از این روی داده است»

بسیاری از شاعران در شعرهای خود، شعر را معنا کرده‌اند. در کتاب «هم صداهای درونی: شاعران در شعر»، بابی گلدستاین (Goldstein Bobby)، بسیاری از این شعرها را گردآوری کرده است. یکی از این شعرها، از آن ایوه مریام (Eue Merriam) است. مریام در این شعر، به آن چه در یک شعر هست، می‌پردازد و جوهر شعر را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او شعر، ضربه‌ای است که تکرار می‌شود و از تخیلی برخوردار است که پیش از آن تصورش را نمی‌کردیم. شعر در نظر او هماهنگی درونی واژه‌هاست.

الینور فارجون (Eleanor Farjean)، در کتاب «شعرهایی برای کودکان»، به مفاهیم غافلگیرکننده دست یافته است:

شعر چیست؟ چه کسی می‌داند؟
شعر گل سرخ نیست، عطر گل سرخ است
آسمان نیست، روشنایی آن است
پرواز نیست، پرتویی از پرواز است
دریا نیست، آوای دریاست
شعر «من» نیست، بلکه همان است
که مرا ساخته است
شعر، دیدن، شنیدن، احساس کردن
و هر آن چه به نثر درمی‌آید

هم نیست
پس شعر چیست؟ چه کسی می‌داند؟

به راستی شعر چیست؟ آن چه گاهی ما را

می‌خنداند، ما را به اندیشه وامی‌دارد و یاری‌مان می‌کند که احساسات‌مان را دریابیم، شعر، جوهر تجربه‌ها را به چنگ می‌آورد.

جایگاه آموزش در شعر

شعرکاری بیش از خنداندن یا گریاندن کودکان و خیال‌انگیزی انجام می‌دهد. شعر، در یاد سپاری مطالب آموزشی، به کودکان یاری می‌کند. با شعر می‌توان آموزش‌های دشوار دوران مدرسه را امکان‌پذیر کرد. کافی است به کودکی خودتان فکر کنید. آیا در کودکی شعری یاد گرفته‌اید؟ آیا امروز می‌توانید آن را از بر بخوانید؟

بسیاری از کودکان وقتی شعری را از بر می‌کنند، آن را برای همیشه به خاطر می‌سپارند. اگر می‌خواهید موضوعی را به آن‌ها بیاموزید که هرگز آن را فراموش نکنند، از راه شعر وارد شوید، چه کسی می‌تواند این شعر بازمانده از دوران کودکی را فراموش کند: زاغکی قالب پنبیری دید / به دهان برگرفت و زود پرید...
یا:

دست در دست هم نهمیم به مهر /
میهن خویش را کنیم آباد
شعر «روستای آهنگری»، سروده لانگ فلو (Long Fellow) را
بسیاری از کودکان انگلیسی زبان به خاطر دارند. سطرهای آغازین این شعر چنین است:
پای درختان شاه بلوط
آهنگر خانه‌ای قدیرافراشته...

یا سطرهایی از شعر مرد سواره، سروده آلفردنویز (Alfred Noyes)

در میان درختان بادخیز
باد، سیلی از ظلمات بود
و ماه، به سان کشتی اشباح
برفراز دره ابرآلود
در نوسان بود
جاده، با نوار مهتابی‌اش
بر دشت نیلی امتداد می‌یافت
و مردی سواره بر آن می‌تاخت
مرد آمد و آمد
و در آستانه مسافرخانه‌ای قدیمی
پیاده شد

(Wolt whitman)

چرا، چه کسی چنین معجزه‌ای کرد؟
من که چیزی نمی‌دانم
جز آن که معجزه‌ای بود

شعر، حس شنیدن و گوش دادن را در کودکان برمی‌انگیزد. آن‌ها گوش سپردن به شعر را دوست دارند؛ زیرا شعر با آواهای زبان بازی می‌کند، از واژه‌های جالب و فریبنده برخوردار است و درباره موضوعات درخور توجهی به گفت‌وگو می‌پردازد.

شعر هم‌چنین، گنجینه واژگان کودک را افزایش می‌دهد، همه ما از زبان و واژه‌هایی استفاده می‌کنیم که آن‌ها را بارها و بارها شنیده‌ایم و به کار برده‌ایم. اگر سر و کار ما بیشتر با واژه‌های گفتاری، روزمره و معمولی باشد، هنگام صحبت کردن، از زبان معمولی و گفتاری استفاده می‌کنیم، اما چنان‌چه به شعر دل بسته باشیم و شنیدن واژه‌هایش را دوست بداریم، هنگام صحبت کردن، زبان شعر را به کار خواهیم برد. کودکان هنگام خواندن یک متن تازه، واژه‌هایی را که پیش از آن شنیده یا خوانده‌اند، بهتر شناسایی می‌کنند. هر چند زبان ادبی با زبان گفتاری متفاوت است، کودکان نیازمند آنند که زبان ادبی را نیز بارها و بارها بشنوند و آن‌ها را به ضرورت به کار برند. شعر امکان چنین رویکردی را گسترش می‌دهد.

شعر، چگونه خواندن را نیز به کودکان می‌آموزد. خواندن متن‌های

شعری، به دلیل کوتاه بودن سطرها، هماهنگ بودن واژه‌ها و قافیه‌ها و نیز تأکید سیلاب‌ها بر واژه‌های اصلی، برای کودکان، آسان و دست‌یافتنی است. دل بستن به قافیه و واژه‌های هم‌صدا، آن‌ها را به پیش‌گویی کلماتی که در پی خواهد آمد، وامی‌دارد. حدس زدن پایانه شعری چون: قور - چه نازه / شنا تو آب...؟! (تازه!)، از ویژگی بازی با واژه‌های هم‌صدا برخوردار است. شعر برجسته‌ترین عنصر زبانی در شناخت واج‌ها، بخش کردن واژه‌ها و بازی با آواهاست کودکان از راه شعر می‌آموزند که آواها را از یکدیگر تشخیص دهند، بخش‌های یک واژه را بشنوند و میان آواهایی که می‌شنوند و واژه‌هایی که می‌بینند، رابطه برقرار کنند زبان شعر، زبان الگو، قابل پیش‌بینی و تکرار شدنی است. در زبان شعر، کودکان می‌توانند پیش‌بینی کنند که چه واژه‌هایی به دنبال خواهد آمد. زمانی که آن‌ها با



شعر از بازی‌های لذت بخش با واژه‌ها آغاز می‌شود
و به بیان فضاها و رویدادهای شگفت‌انگیز و
طرح تلاش‌های روزانه، از زاویه دیدی کاملاً تازه
و شنیدنی می‌انجامد. شعر بدخواه و بی‌رحم نیست
و آسبایی به خواننده نمی‌رساند

و یا شعر «سواری پل ریور» از هنری وادزورث
لانگ فلو (Henry Wads worth long fellow):

کودکان من!
بگذارید برای‌تان از سوارکاری پل ریور
در نیمه شب ۱۸ آوریل ۷۵
بگوییم

اکنون مردان اندکی

از آن دوره

زنده مانده‌اند
چه کسی آن سال
و آن روز سخت را
به خاطر می‌آورد؟

و با شعر «معجزه» از والت ویتمن

واژه‌های هم آوا آشنا می‌شوند، شناخت کلمات و فراگیری آن‌ها آسان‌تر می‌شود. در بسیاری از شعرها، از واژه‌های هم آوا و هم قافیه استفاده می‌شود. کاربرد این واژه‌ها، توانایی کودکان را در بخش کردن صداها که پیش نیاز زبان‌آموزی و آموزش آوایی است، افزایش می‌دهد و به آنان کمک می‌کند تا واژه‌های نوشته شده را رمزگشایی کنند.

شعر با کاربرد واژگان تازه و فراوان، توانایی‌های زبان‌آموزی کودکان را در بخش نوشتن گسترش می‌دهد. شعرها با الگوها و قالب‌های شعری گوناگونی همراهند که رویارویی با آن‌ها، همراه با تکرار عبارت‌ها در ساختن یک بند یا موضوع، لایه‌های ساختاری یک شعر را برای کودک آشکار می‌سازد.

شعر، همان گونه که نگاه کردن به جهان پیرامون را به کودکان می‌آموزد، آنان را به شنیدن نیز و می‌دارد. شعر دورنمای تازه‌ای از زندگی به نمایش می‌گذارد و شیوه‌های درست اندیشیدن را طرح می‌کند. شعر در استفاده از عناصر شعری، هم‌چون تضاد، ایهام و تناقض (پارادوکس)، چنان ساده عمل می‌کند که برای هر خواننده‌ای قابل دریافت است. شعر ضعیف، موضوع شعر را به خوبی پوشش نمی‌دهد و آن را در زیر انبوه پرگویی پنهان می‌کند. شعر خوب ناهنجاری‌ها را پس می‌زند و اجازه می‌دهد تا معنا و مفهوم شعر به سادگی بدرخشد.

معیارهای ارزش‌یابی شعر

شعر کودک، در محدوده آگاهی‌های کودکان، حرکت می‌کند. شعرهایی را برای کودکان مناسب می‌دانیم که از ارزش‌های ماندگار برخوردار است و شاعران آن، از کامیابی‌های درخشان برخوردار شده‌اند و منتقدان شعر نیز آن شعرها را آثاری برجسته قلمداد کرده‌اند.

برخی از شعرهایی که در گذشته سروده شده، هنوز هم برای کودکان دوست‌داشتنی و قابل استفاده است. شعرهای برجسته را بر اساس انتقال احساس، درک کودک، خیال‌انگیزی، وزن روان و ویژگی‌های درخشان آن، از دیگر شعرها جدا می‌کنیم. حال و هوا، چند فرهنگی بودن محتوا، زبان به کار برده شده و گوناگونی شکل‌ها و قالب‌های شعری، از دیگر معیارهای ارزش‌یابی شعر است.

شعر خوب، درک شدنی است

کودکان شعرهایی را دوست دارند که آن را

شعر، مفاهیم غنی را به کمک آواهای زبان که به گونه‌ای منظم در کنار هم چیده شده، گرد می‌آورد. شاعران واژه‌ها را انتخاب می‌کنند و آن‌ها را به روشی سنجیده و دقیق، در کنار یکدیگر قرار می‌دهند.

آن‌ها با شعرهای شان، توجه ما را به سوی

تجربه‌های نو جلب می‌کنند

بفهمند و میزان درک و فهم‌شان را گسترش دهد؛ شعرهایی که امکان گفت‌وگو با بزرگ‌ترها را که به سیر و سلوک در شعر علاقه‌مندند، فراهم سازد. کودکان به مجموعه شعرهایی که قطعات آن به دقت انتخاب شده‌اند، علاقه نشان می‌دهند. شعرهایی که از تجربه‌های کودکان سخن می‌رانند و به گسترش درک آنان ارزش می‌نهند، به سادگی کودکان را می‌خنداند، آن‌ها را در خیال فرو می‌برد و احساسات‌شان را آشکار می‌سازد.

شعر خوب، توجه کودک را جلب می‌کند

همه کودکان، شعرخوانی را دوست دارند و شعر خوب، آن‌ها را متوجه خود می‌سازد. وقتی کودکان به مکاشفه در شعر می‌پردازند، بیشتر علاقه دارند شعرهای طنزآمیزی را بخوانند که وزن و قافیه روان و ساده‌ای دارد، نه شعرهای آزادی که از انتزاع و نشانه‌شناسی‌های دشوار برخوردار است. کودکان شعرهای داستانی (منظومه‌ها) را دوست دارند و این موضوع، از علاقه آن‌ها به داستان سرچشمه می‌گیرد. واکنش کودکان در رویارویی با شعر، به روش‌های معرفی شعر به آن‌ها بستگی دارد. اگر نخستین برخوردهای کودکان با شعر، شیرین و دلنشین باشد، عشق به شعر و درک آن، در آن‌ها گسترش می‌یابد.

شعر، زبان طبیعی انسان در دوران کودکی است. گرنی چوکوفسکی (Komi Chukovsky, ۱۹۶۳)، شاعر روسی، بر این باور است که کودکان، ذاتاً شاعر به دنیا می‌آیند. آن‌ها با آواهای زبان بازی می‌کنند. آن‌ها دوست دارند روی زانو خم شوند و این شعر را بشنوند:

روی الاغ کوچک / بشین برو به تپه / بپا که از پشت آن / نیفتی توی دره

کودکان در سال‌های نخست زندگی، با شعرها و ترانه‌هایی هم‌چون «جم جمک برگ خزون» و «اتل مثل توتوله»، آشنا می‌شوند و به راحتی آن‌ها را به خاطر می‌سپارند. آن‌ها هنگام بازی ترانه می‌خوانند و ترجیح بدهای تکرار شده را بارها و بارها

به زبان می‌آورند. بازی با واژه‌های هم قافیه و کاربرد وزن در شعر، به همراه طنز و داستان‌های شعر گونه، نخستین آشنایی‌های کودک با شعر به شمار می‌رود.

اولویت‌های کودکان در فراگیری

شعر

پژوهشگران در مورد گونه‌هایی از شعر که مورد توجه کودکان قرار دارد و هم‌چنین، شعرهایی که مربیان و آموزگاران برای کودکان می‌خوانند، به بررسی و پژوهش پرداخته‌اند. در دو بررسی کارشناسانه، تری (۱۹۷۴) (Terry)، به پژوهش در زمینه اولویت‌های مورد توجه نوجوانان در شعر پرداخت که همان پژوهش را فیشر (Fisher) و ناتارالا (Natarella)، در سال ۱۹۸۲ میلادی، برای کودکان دبستانی دنبال کردند. آن‌ها علاقه‌مندی‌های کودکان در زمینه شعر را چنین دسته‌بندی کرده‌اند:

- شعرهای معاصر
- شعرهایی که کودکان می‌توانند درک کنند
- شعرهای داستانی (منظومه‌ها)
- شعرهای موزون و قافیه‌دار
- شعرهایی نزدیک به تجربه‌های کودکان

این پژوهشگران، چنین برداشت کرده‌اند که کودکان، کاربرد صنایع بدیعی و تمثیلی. را چندان در شعر نمی‌پسندند و شعرهای انتزاعی را که برای آن‌ها درک شدنی نیست، دوست ندارند. شعرهای هایکو (شعرهای کوتاه ژاپنی / Haiko) برای آن‌ها دلنشین نیست. دختران بیش از پسران به شعر علاقه نشان می‌دهند و شعرهای فکاهی، در مورد جانوران و تجربه‌های آشنا، برای آنان جذاب‌تر است. شعر «مامان دیر از خواب بیدار می‌شود و بابا صبحانه درست می‌کند»، سروده جان سیاردی (John ciardi)، از کتاب «تو برای من می‌خوانی و من برای تو»، به همراه شعرهای فکاهی، بهترین انتخاب کودکان بوده است.

مک کلور (Mc clure) در سال ۱۹۸۴، پژوهش‌های تری را گسترش داد و دریافت که کار در کلاس درس، پاسخ‌های کودکان را دگرگون می‌کند و تلاش آموزگاران در کلاس درس می‌تواند در نوع گرایش و علاقه کودکان، تفاوت‌های فزاینده‌ای پدید آورد. بررسی‌های برکمن (Birkman) در سال ۱۹۷۳، نشان می‌دهد که خواندن شعرهای آزاد و بی‌قافیه، توجه کودکان را به این نوع شعر نیز افزایش می‌دهد و آنان را به شعر آزاد علاقه‌مند می‌سازد. در واقع، کودکان می‌توانند به هر نوع شعری علاقه‌مند شوند و این بستگی به

برخورد خلاق با آن‌ها دارد.

شعر به صورت فزاینده‌ای مردمی می‌شود و هر ساله، مجموعه شعرهای فراوانی در قطع و اندازه‌های دلخواه به چاپ می‌رسد. از سال ۱۹۷۳، «مؤسسه ملی خواندن» و «شورای کتاب کودک»، هر ساله بررسی‌های فراگیری را با عنوان «گزینش‌های کودکان» به عهده می‌گیرد. نتیجه این بررسی‌ها نشان می‌دهد که کودکان، پیگیرانه به کتاب‌های شعر علاقه نشان می‌دهند. از میان صدها انتخاب در زمینه کتاب‌های تصویری، رمان و کتاب‌های غیرداستانی، گزینش شعر، انتخابی گسترده و فراگیر است. کودکان شعرهایی سرگرم‌کننده‌ای را انتخاب می‌کنند که با موضوع‌های آشنا سر و کار دارد؛ شعرهایی که آنان را شگفت زده می‌کند و به آن‌ها یاری می‌رساند تا جهان را به شکلی تازه ببینند. یافته‌های تری و کارل فیشر، بازتاب اولویت‌بندی انتخاب‌های کودکان است.

شاید به درستی درنیابیم که معیار انتخاب یک شعر ویژه، از نظر کودکان چیست، اما خوب می‌دانیم که شعرخوانی پرشور و شوق برای کودکان، می‌تواند در گزینش آنان اثر بگذارد. ایوه مریام، شاعر کودکان گفته است:

«اگر بتوانیم آموزگاران را به خواندن شعر برای کودکان تشویق کنیم، نسلی شعر خوان و شاعر

پرورش داده‌ایم و مهم‌تر آن که زبان آیندگان، زبان ارزشمندتری خواهد بود.»

برآیند طرح گزینش آموزگاران، در مؤسسه ملی خواندن (IRA)، نشان می‌دهد که آموزگاران بیشتر آن دسته از کتاب‌های شعری را برای کلاس‌های درس خود انتخاب می‌کنند که بازتاب فرهنگ‌های چندملیتی است؛ شعرهایی که از زبانی زیبا برخوردار است و به گسترش مفاهیم ذهنی کودکان یاری می‌رساند. زمانی که آموزگاران شعرهای مورد علاقه خود را برای شعرخوانی در کلاس درس برمی‌گزینند، عشق و علاقه آن‌ها در دانش‌آموزان نیز پدیدار می‌شود.

کاربردهای دلنشین زبان در گستره شعر
شاعران برای اثرگذاری عمیق و مؤثر بر مخاطب، از عناصر آوا، وزن و مفهوم استفاده



شعر، احساسات آدمی را به گونه‌ای بیان می‌کند که پیش از آن، آن را تجربه نکرده‌ایم. شعر ژرف، مبتذل و احساساتی نیست. شعر به خوانندگان خود کمک می‌کند تا خود را و احساسات خود را دریابند

می‌کنند. کارکرد آوا و وزن در شعر، بسیار آشکارتر از نثر است و مفهوم مطرح شده در شعر، خلاصه‌تر از نثر. آموزگاری که به اکتشاف در شعر علاقه‌مندند، الگویی مناسب برای کندوکو کودکان در شعر به شمار می‌روند. مطالعه کتاب «درس‌هایی آسان برای شعر که باعث لذت می‌شود» نوشته هاریسون و کولینسون (Harrison, Cullinon)، اصطلاحات شعری را به علاقه‌مندان شعر معرفی می‌کند.

واژه در جایگاه آوا

در میان عناصر شعر، آوا بیشترین لذت را برای کودکان پدید می‌آورد. گزینش آواها و چینش آن‌ها در شعر، آن را آهنگین می‌سازد و معنای واژه را تقویت می‌کند. قافیه، تجانس، هم‌آوایی، واژه‌های آوایی (مثل وز وز)، گونه‌هایی از کاربرد آواها و واج‌ها

در زبان به شمار می‌روند.

قافیه، واژه‌هایی را در برمی‌گیرد که صدای پایانی آن‌ها، یکسان است؛ مانند خورد و بُرد. اگر چه شعر می‌تواند بی‌نیاز از قافیه باشد، کودکان وجود قافیه را ترجیح می‌دهند. در شعر بزرگسالان امروز، خلاف گذشته، وجود وزن فرآیندی ناگزیر به شمار نمی‌رود، اما کودکان هم‌چنان از خواندن شعرهای قافیه‌دار لذت می‌برند. این گونه شعرها بهتر در ذهن باقی می‌ماند و پایدارتر است. هنوز هم کودکان نسل‌های پیاپی، همان شعرهای موزون را در طناب بازی‌های‌شان تکرار می‌کنند و بازی‌های خود را با شعر همراه می‌سازند.

گوش شاعران، به تکرار آواهای یکسان، حروف بی‌صدا، هجاها، واژه‌ها، عبارات‌ها و خطوط شعری، به صورت جداگانه یا ترکیبی، سازگار شده است. برای یک شاعر، هر حرف یا صدا یا واژه‌ای می‌تواند بارها و بارها تکرار شود. فرآیند تکرار، همانند ملاقات یک دوست قدیمی است. کودکان، تکرار در شعر را موضوعی اطمینان بخش به شمار می‌آورند. تکرار، معنا را مؤکد می‌کند، الگوی آوایی پدید می‌آورد و سرچشمه سرگرمی و تفریح به شمار می‌رود:

الغخه عرعر می‌کند

عر و عر و عر، عر و عر و عر

گوش همه را کر می‌کند

کر و کر و کر، کر و کر و کر

تکرار واژه‌هایی با واج‌های یکسان و هم‌آوا، در شعری چون «کلاغه با ملاقه / زد تو سر الاغه» (از اسدالله شعبانی) و در عبارتی چون «چایی داغه، دایی چاقه»، به بازی و پیچش دلنشین زبان می‌انجامد. کارلاکوشکین (Karla Kushkin)، در شعری به نام «یک وعده غذا»، از کتاب «سگ‌ها و اژدهاها، درختان و رؤیاهای»، از هم‌آوایی واژه‌ها به فراوانی استفاده می‌کند. هر چند این ویژگی در ترجمه قابل بازیابی نیست، در شعری چون «پریا» (از احمد شاملو)، این ویژگی‌ها را می‌توان دریافت:

پریای نازنین

چتونه زار می‌زنین؟

چییه این‌های‌های تون

گریه تون، وای وای تون

پریا هیچی نگفتن پریا
مٹ ابرای باهار گریه می کردن
پریا

رودا بک میستر
(Rhoda Bacmeister)، در
شعر «گالش‌ها»، از هم آوایی و تکرار
حروف باصدا، در فاصله‌های کوتاه
استفاده کرده است. او همچنین از
آواهایی استفاده کرده که از صداهای
طبیعی ساخته شده و بیانگر عمل
و کاری است که انجام می‌شود. کاربرد
کلماتی مانند «شلپ و شلوپ» یا
«تالاپ و تولوپ» این ویژگی را تشکیل می‌دهد.
وجود واژه‌های هم قافیه در پایانه سطرهای
شعری، ویژگی اصلی شعرهای کودکان است. این
ویژگی را در شعر زیر می‌توان به آسانی دید:

بارون می‌آد جَرَجَر
پشت در هاجر
هاجر عروسی کرده
دمب خروسی کرده

اگر افزون بر هم قافیه بودن واژه‌های پایان
سطر در شعر، آخرین واژه هر سطر، با نخستین واژه
سطر بعدی نیز هم قافیه باشد، به آن «قافیه
برگردان» گفته می‌شود. در شعر «روزی روزگاری»
دیوید مک کرد (David Mc cord)، این ویژگی
چنین به نمایش گذاشته شده:

Down by the pool still fish
الف
Wishing for fish, I fail
الف
praying for birds not present
ج
pheasant or grouse or quail
ج

در این شعر، افزون بر قافیه‌های مرسوم، واژه‌های
پایانی سطرهای ۱ و ۳ با نخستین واژه‌های سطرهای
۲ و ۴ نیز هم قافیه‌اند (ویژگی ای که در شعرهای
کودکان در ایران دیده نمی‌شود و یا به سختی می‌توان
نمونه‌ای از آن یافت). شعری همانند این:

آسمان، آرام و آبی (الف)
آفتابی (الف) روی دریا (ب)
کوه‌ها با قله‌هاشان (ج)
بی‌نشان (ج) از برف و سرما (ب)

کودکان جست‌وجو گران مشتاقی هستند که
گاهی به میهمانی شعر دعوت می‌شوند و
قافیه‌سازی را تجربه می‌کنند. آن‌ها هم چنین

پژوهشگران، چنین برداشت کرده‌اند که کودکان، کاربرد صنایع بدیعی و تمثیلی را چندان در شعر نمی‌پسندند و شعرهای انتزاعی را که برای آن‌ها درک شدنی نیست، دوست ندارند. شعرهای هایکو (شعرهای کوتاه ژاپنی / Haiko) برای آن‌ها دلنشین نیست

می‌آموزند که چگونه برای تأکید معنایی، از قافیه
استفاده کنند.

واژه در جایگاه وزن

وزن در زبان، با برگشت‌های مکرر و مشخص
ضربه‌های تأکیدی و غیرتأکیدی سیلاب‌ها پدید
می‌آید. انسان در برابر این ضربه‌ها واکنش نشان
می‌دهد. کودک این واکنش‌ها را در زهدان مادر
تجربه می‌کند؛ زمانی که ضرباهنگ پیوسته و
یکنواخت قلب مادر را می‌شنود. ضرباهنگ در همه
جا هست؛ در امواج اقیانوس‌ها، در تیک و تاک
ساعت، در صدای دوییدن اسب‌ها و در ضربان نبض
آدمی. ضرباهنگ (ریتم) در شعر، به تکرار
سیلاب‌ها و تأکیدهای هجایی بازمی‌گردد و نیز به
اوج و فرود (لحن) صدای ماهنگامی که واژه‌ها را
ادا می‌کنیم. ایوه مریام، در بخش «درون یک
شعر»، از کتاب «قافیه همیشه ضروری نیست»
(It doesn't always have to Rhyme) می‌گوید:

«تکرار ضربه‌ها... نوعی هماهنگی درونی
است؛ وقتی مرتب به پای خود ضربه می‌زنیم و یا دور
یک دایره می‌چرخیم. هر شعر خوبی وزن
و ضرباهنگ دارد. رویدادی که در شکل‌های دیگر
هنرهای دیداری و شنیداری، هم‌چون رقص،
موسیقی و حتی نثر نیز دیده می‌شود.»

ضرباهنگ در موسیقی، اغلب موزون است.
وزن به ضرباهنگ نظم می‌دهد؛ ضرباهنگی که با
تأکید و تکیه بر برخی از سیلاب‌ها، بر پایه الگویی
کم‌وبیش ثابت و معین شکل می‌گیرد. وزن
(meter) به عنوان یک واحد اندازه‌گیری تعریف
شده است و سنگینی زبان را می‌تواند اندازه بگیرد.
وزن در شعر، از وزن‌های ساده در شعرها و ترانه‌های
کودکانه آغاز می‌شود و به وزن آزاد در شعرهای آزاد
می‌رسد. ضرباهنگ، هر چه باشد، در ایجاد مفهوم
شعر و تقویت آن یاری می‌رساند.

جک پره لوتسکی (prelutsky)
(Jack)، در شعر «سیرک»،
ضرباهنگ‌های در نظر گرفته شده در
شعرش را بر پایه موضوع مطرح شده،
شکل می‌دهد:

می‌افتد استکان‌ها
بر اثر تکان‌ها
هی می‌شود زیر و رو
هی می‌شود پشت و رو
جیرینگ و جیرینگ، تالاپ و
تولوپ

دلنگ و دولونگ، شالاپ و شلوپ

پس از بازی با استکان‌ها، نوبت بازی با
فیل‌های سیرک است، با همان گام‌های سنگینی که
در شعر به چشم می‌خورد:

فیل‌ها می‌آیند، سرشان بالا
سه پارو زمین، یک پا در هوا
یک فیل کوچک، می‌کند حمام
رو به جماعت، می‌دهد سلام

نظم واژه‌ها به حضور ضرباهنگ در شعر
کمک می‌کند. نظام به کار رفته در چینش
واژه‌ها، عنصر اصلی آفرینش یک شعر است.
آموزگاران و شاید دانش‌آموزان علاقه‌مند به
شعر، باید از راه و روش‌هایی که شاعران
در ساختار جمله‌های شعری از آن استفاده
می‌کنند، آگاهی داشته باشند. ساده‌ترین ویژگی
شعر، دور شدن از جمله خبری است. نمونه آن
شعری است از استیونس (Stevenson)، به نام
«قایق‌ها به کجا می‌روند؟»، از کتاب «باغ
شعرهای کودک» (A child's garden of verses):

رودخانه، رنگ موجش قهوه‌ای
ماسه‌هایش رنگ زیبای طلا
می‌رود تا دورها، جریان رود
در دو سویش، گیسوان بیدها

چنانچه واژه‌های شعر استیونس را به گونه‌ای
دیگر در کنار یکدیگر قرار دهیم، تصویر دیداری آن
را از بین خواهیم برد. شاعران، ساختار جمله را با
مهارت دنبال می‌کنند تا به نظم و وزن دلخواه‌شان
دست یابند و تأثیر ادبی آن را افزایش دهند. نظم و
چینش واژه‌ها، به شکل وارونه، در شعر ممکن است،
در راستای ارائه معنا صورت گیرد. در هر صورت،
دانش‌آموزان با شنیدن شعرهایی که بلندخوانی
می‌شود، توانایی خود را در فهم عبارتهای وارونه در
شعر، افزایش می‌دهند.